**«انتقام» علیه طاغوت پس از دستگيري امام خميني قدس‏سره گروهي از ياران امام، اقدام به چاپ و انتشار نشريه‏اي با نام «بعثت» كردند. استاد مصباح با نوشتن مقالات و تكثير اين نشريه، به مبارزه سياسي خود تداوم بخشيد. پس از مدتي، استاد نشريه «انتقام» را منتشر كرد. هدف اين نشريه، مبارزه با رژيم طاغوت و حمايت از روحانيون مبارز بود. تمامي امور اين نشريه ـ چه تهيه مقالات و چه چاپ و تكثير و پخش آن ـ برعهده استاد مصباح بود.**

**چاپ اين نشريه در زير زمين منزل پدر استاد در تهران انجام مي‏شد و مدتي بعد به قم منتقل گشت. بيشتر مطالب اين نشريه، اخبار مبارزه و نيز تحليل هاي سياسي بود. اين نشريه، ايدئولوژي مبارزه اسلامي را از قرآن استخراج مي‏كرد و به مردم مسلمان مي‏باوراند كه دين از سياست جدا نيست.**

**استاد در اين باره مي‏گويد: « از اين جهت، نشريه «انتقام» را تأسيس كرديم كه هم مطالبش شديد اللحن‏تر بود و هم موضع‏گيري آن بسيار صريح بود. همه نويسندگان آن هم از كساني بودند كه رهبري حضرت امام ـ رحمه‏ اللّه ـ را كاملاً پذيرفته بودند و فقط بعضي از افرادي كه در نشريه «بعثت» شركت داشتند، گردانندگان اين نشريه را مي‏شناختند و براي سايرين مايه تعجب شده بود كه اينها چه كساني هستند.**

**توزيع اين نشريه بسيار سرّي بود و با شيوه‏هاي بسيار پيچيده‏اي ـ چه در قم و چه در شهرستان ها ـ تهيه، چاپ و منتشر مي‏گرديد. زحمت فراواني كشيده مي‏شد تا اين ها به ساير مراكز استان ها و به دست شخصيت هاي معروف مبارز برسد، مثلاً نسخه نشريه را در جعبه گز جاسازي مي‏كردند و توسط پست مي‏فرستادند.»**

****

**نشریه انتقام در فضای خفقان آن زمان که مبارزین به کوچک ترین انتقاد به زندان می انداخت،ظهوری تبیین گری داشت که همچون مالک وار به تقابل جدی با خود شاه پرداخت و «رسانه شناسی و نقش قدرتی آن» توسط آیت الله محمدتقی مصباح یزدی باعث روی آوردن به آن بود.**

**اولین شماره این نشریه انقلابی در تاریخ ۱۵ شعبان ۱۳۸۴ ه ف برابر با ۲۹ آذر ۱۳۴۳ ه ش در قم و دیگر شهرها توزیع شد. این نشریه دومین نشریه مخفی طلاب علوم دینی حوزه مقدسه علمیه قم بود که همه کارهای آن، از طراحی و نگارش مقالات و اخبار، تا تایپ و چاپ و حتی بسته بندی و توزیع آن توسط آیه الله علامه مصباح یزدی -مد ظله العالی- در اوج خفقان ستم شاهی انجام می یافته است.**

**عمق هوشمندی، عقلانیت، جامعیت، روحیه بسیار بالای انقلابی، پیوند عمیق با اسلام و مبانی اسلام هم در عمل و هم در تعامل با مبارزین و انقلابیون، ولایت مداری و طرح مباحثی که به تدریج به طرح جامع حکومت اسلامی می انجامد در نشریه طرح می شده است.**

 **آیت الله محمدتقی مصباح یزدی که عرصه «جنگ عقیده» را می بیند و نگاه شفافی به حکومت اسلامی داشت با قدرت بیان و عمق فلسفی و کلامی که محصول شاگردی در محضر «فیسلوف قرن علامه طباطبایی» پیدا کرده بود،به تقابل جدی به مبانی فکری و عملی فرهنگ غیرارزشی پرداخت.**

**نگرش های سکولار و لیبرالی که در سپهر جامعه ایران نفوذ کرده بود و لایه های اجتماعی را در بر گرفته بود یک «تحریف باطنی از خدا،انسان،هستی» بود که نیاز به مبارزه عقیدتی «مُخلَصان و مُخلِصان انقلاب اسلامی» بود.**

**آیت الله مسعودی خمینی در رابطه با نشریه ی انتقام و آیت الله مصباح چنین می گویند:**

**مطالب نشریه ی انتقام به قدری انقلابی و تند بود که الان نیز وقتی که انسان آنها را مطالعه می کند لرزه بر اندامش می افتد...**

**یادم می آید که ایشان(آیت الله مصباح یزدی)مقاله ای در رابطه با "موسی چمبه" که از دیکتاتور های کنگو بود ،نوشته بود. وی در این مقاله شاه را با موسی چمبه مقایسه کرده و نوشته بود:"موسی چمبه ی ایران را بشناسید" اگر آن زمان معلوم میشد که چه کسی این نشریه را تهیه می کند و این مطالب را می نویسد ،قطعا" آقای مصباح به بهشت رفته بود ،ولی قسمتش این بود که بماند و این روزها را ببیند.**

**خود آیت الله مصباح درباره ی نشریه انتقام می گویند:**

**یک نکته ی دیگر هم که نمی خواستم و نمی خواهم وارد بشوم ولی ناچار اشاره ای می کنم آن است که کسانی که در مبارزه ی مخفی و سری وارد می شدند، نمی آمدند افشا بکنند، "بعثت" و یکی هم "انتقام".**

**سوال کنید این نشریات را چه کسی منتشر می کرد؟ در نشریه ی بعثت بنده از اعضای اصلی بود و نشریه ی انتقام هم عمده کارش را اصلا" خود بنده انجام می دادم و حتی نزدیک ترین دوستانم خبر نداشتند ...**

**حالا من باید بیایم و در بوق کنم که آقا ما چه مبارزاتی کرده ایم؟بعدتر و در ماجرای قتل منصور و لو رفتن هیئت های مؤتلفه و محکوم شدن تنی چند از اعضای آن به حبسهای طولانی و اعدام برخی دیگر به خاطر پیدا شدن این نشریه در میان اعضای هیئت های مؤتلفه ساواک به شدت به این نشریه حساس شد و لو رفتن یکی از اعضای رابط توزیع نشریه در شیراز که به صورت مستقیم این نشریات را از آیت الله مصباح دریافت می کرده است(البته نه به عنوان موسس بلکه به عنوان طلبه ای که واسطه پخش بوده است) تحقیقات ساواک و تحت تعقیب قرار گرفتن موسسان نشریه ی انتقام دیگر منتشر نشد.**

**در طلیعه نشریه ای که در ۱۴۳۵ هجری قمری و در میلاد با سعادت منتقم آل محمد پنجاه ساله می شود، اهداف نشر آن را چنین توصیف می کند: "این نشریه به هدف روشن کردن افکار تخدیر شده، بیدار نمودن عواطف مذهبی خفته، زنده کردن احساسات سرکوب شده و برای بیان احکام سیاسی و دفاعی اسلام، رفع شبهات و وساوس شیطانی تن پروران و راحت طلبان، تحکیم پیوندهای مبارزین، تقویت همبستگی توده های مجاهد و رزمنده، ایجاد وحدت کامل میان نیروهای ملی و مذهبی و بسیج همگان با سلاح ایدئولوژیک ایمان در یک جهاد پی گیر و خستگی ناپذیر علیه استثمار و استبداد و برای رسیدن به یک هدف مقدس یعنی استقلال و حاکمیت ملت شریف ایران در سایه تعالیم حیات بخش اسلام انتشار می یابد."**

**در ادامه، ایشان، اهداف بلند نشریه را با امام مهدی، امام صلح و عدالت علیه السلام پیوند می زنند و می گویند: این نشریه با الهام از هلال امید بخش و نشاط انگیز شعبان و به امید رخنه در دلهای مردمی که چشم به راه یگانه مصلح جهانی نشسته و در شب پرفروغ نیمه شعبان انتظار سپیده بامداد اوج کمال را جستجو می کنند و با اراده ای سترگ سینه سیاهی یاس و نومیدی را می درند منتشر می شود. هدف گذاری نشریه، نگاه انقلابی اسلامی عمیق نشریه، به مسائل روز و سعی در پیوند زدن بین مسائل روز با اعتقاد به منجی بشریت حضرت مهدی و طرح مباحث متنوع عقیدتی سیاسی و اخلاقی و اجتماعی، هر یک خود گویای همه ابعاد شخصیتی علمی اخلاقی مبارز و ... ناشر و نویسنده ان است.**

**این نشریه در هشت شماره: از ۱۵ شعبان ۱۳۸۴ ه.ق. برابر با ۲۹ اذر ۱۳۴۳ه.ش. تا ۷ جمادی الاخر ۱۳۸۵ برابر با ۱۵ مهر ۱۳۴۴ و درچهار فصل مطالب خود را دنبال می کند: تحلیل مسائل اجتماعی، بررسی مسائل سیاسی، تحریر و تبیین مسائل اعتقادی بویژه نسبت به ولایت و حکومت اسلامی و یک بخش هم به اخبار داخلی و خارجی و تحلیل انها اختصاص یافته است. پی گیری مطالب و مباحث نشریه خواننده را بر آن می دارد که مطالب نشریه صرفا یک دسته از مسائل شعاری نیست. نشریه به جد به دنبال القاء یک عقیده سترگ شیعی است. درد دین دارد سعی بلیغ برای اینکه مردم را از مسائل روز آگاه، و آنها را با پیوند دادن به اعتقادات صحیح خود، در راه یک مبارزه عقیدتی و بر آمده از دین تجهیز نماید.**

**به چند نمونه از این عناوین که مملو از اراده و ایمان به هدف است و پر از مفاهیم انقلابی و تفکر عمیق برای مبنا سازی نظام اسلامی و ضدیت با دستگاه حاکمه دارد، توجه کنید: "اصلاحات کابینه سازندگی،" "فرهنگ اصطلاحات انقلاب سفید،" "خوزستان عزیز،" "شهادت امام صادق (ع) وسالگرد فاجعه خونین فیضیه،" "ترور منصور،" "انعکاس مرگ منصور،" "هم پیمانان ایران،" "عید غدیر روز پایه گذاری خلافت اسلامی،" "در دنیای اسلام چه می گذرد،" "عربستان جنوبی،" "پیشنهاد بورقیه،" "پانزه خرداد روز تجلی مذهب،" "سوئ استفاده از حوادث،" "محکمات منصفانه،" "نامه آیه الله میلانی در پاسخ بعضی از محترمین بازار،"‌"قسمتی از گزارش کایلریانگ برای سمینار مشکلات معاصر ایران دانشگاه هاروارد، ۱۷ آوریل ۱۹۶۵م.،" "تفسیر سیاسی از مطبوعات خارجی،" و مهمتر از همه بحث سلسله واری در باره "ایدئولوژی اسلامی." عنوان بحث از "ایدئولوژی اسلامی" خود حاوی عناوین زیر در شمارگان هشتگانه نشریه است: "ایدئولوژی اسلامی" : "امید در قاموس روح،" "ایمان به هدف،" "تطور مبارزات،" "مبارزه اصولی،" "گروه پیشقدم،" " "ضرورت تشکل،" "کیفیت انتخاب رهبر،" و "حکومت شرعی."**

**مطالب و مباحث پیش گفته همه تقریبا با سبک واحدی و پیروی از چهار فصل تحلیل مسائل اجتماعی، سیاسی، اعتقادی واخبار است دنبال می شود و مطالب عقیدتی که زمینه ساز یک حرکت مبنائی اسلامی در بعد ولایت و حکومت است به شکلی سلسله وار دنبال می شود. در میان این عناوین و سر فصلها، عناوینی که به جهت دهی صحیح انقلاب به مبانی صحیح اعتقادی و به پیوند برقرارکردن بین همه فعالیتهای انقلابی و مبارزاتی با دین و ولایت اختصاص یافته است شایسته ذکر است. در شماره یک این نشریه علامه مصباح تحت عنوان "امید در قاموس روح" بحثی را در جهت رسیدن به حکومت اسلامی که در شماره هشت به ان می رسند مطرح می کنند که نشان از عمق یک نگاه ایدئولوژیک وفرزانه و تدرجی دارد. ایشان در تحت این عنوان و عناوین بعدی به جهت بخشی، تعمیق بخشی و مستد سازی مبانی نهضت می پردازند. فشرده بیان معظم له را در چند بخش چنین می توان جمع بندی کرد:**

**همه کارهای انسان از خرد و کلان گرفته تا سخت و آسان به مسئله پر اهمیت امید بستن به مقصود که همان انجام تکلیف الهی است، وابسته است. امید گاهی قطعی و صد در صد است و گاهی ظنی و زمانی احتمالی. کار عقلائی ان است که میزان احتمال موفقیت با در نظر گرفتن نفعی که در صورت موفقیت حاصل می شود، بیش از مقداری انرژی و نیروهایی که در راه ان صرف می شود، باشد. البته این فرمول میزان عقلائی بودن یک کار را بدون مقایسه با کارهای دیگر مشخص می سازد.**

 **اما اگر چند کار عقلائی برای انسان میسر باشد باید آن کاری را انتخاب کند که نفعش نسبت به انجام دادنش بیشتر باشد. پس کسانی که با اعتقاد به حیات جاودان آخرتی و کسب لذایذ ابدی و رسیدن به بهشت برین الهی کار می کنند، حتی اگر این اعتقاد هم بصورت ضعیف در افراد باشد، ارزشش را دارد که انسان همه هستی خود را در راه ان فدا کند چرا که سعادت ابدی را به همراه دارد. با این مقدمه پاسخ سوال بسیاری از انقلابیون که می گفتند به چه امیدی مبارزه کنیم داده می شود، که مبارزه به امید ثوابها و لذایذ بی نهایت اخروی است، به امید وعده های تخلف ناپذیر خدای متعال مبنی بر پیروزی مسلمانها بردشمنان اسلام است. سپس استاد این عقیده را با آیات کریمه قران پیوند می زنند: برخی از آیات مرتبط عبارتند از: "وعد الله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض،" "کتب الله لاغلبن انا و رسلی،" "ان تنصروالله ینصرکم و یثبت اقدامکم،" و "ان الارض یرثها عبادی الصالحون."**

**جواب دوم به این دسته از انقلابیون و مبارزین که امیدی به پیروزی ندارند آن است که: به شهادت تاریخ همواره ملتهائی با دست خالی و بدون اسلحه و تجهیزات با دولتهای بیگانه استعمارگر یا دولت های داخلی دست نشانده و رژیم های فاسد مبارزه کرده اند و آنها را مغلوب و به زانو در آورده اند، زنجیرهای اسارت و بردگی را پاره کرده و آزادی و استقلال را به دست آورده اند. بنابراین برای کسب چنین منافع سرشاری ضرر قربانی دادن اموال و افراد جند به حساب نمی آید بلکه برای نجات کشور ممکن است فداکردن هزارها و ملیونها نفر ضرورت پیدا کند. البته نباید از نظر دور نگاه داشت که برای صرف انرژی و نیروهای مالی و انسانی باید دقت کافی بشود محاسبه صحیح صورت گیرد و طرحهای عمیق تدارک دیده شود تا با کمترین تلفات بیشترین بهره برداری بعمل اید و این نیاز به همفکری و همکاری رهبران مبارزه دارد و کوتاهی در ان مسئولیت در درگاه الهی را به همراه دارد. آنچه در این میان از همه مهمتر است تشخیص میزان نفع کارها است. بر اساس استدلال فوق سخت ترین و پررنجترین مبارزات و مجاهدات در نظر یک مسلمان پرسودترین معاملات خواهد بود.**

**در فرازی دیگر استاد به بیان پیوند عمیق نهضت حضرت امام ره با دین و آئین رسمی کشور یعنی اسلام می پردازند. این فراز یکی دیگر از محورهائی است که همواره و در تمامی مباحث این نشریه پی گیری می شود. در طلیعه دومین شماره انتقام چنین می خوانیم: "علی پیشوای شیعیان در چنین ماهی پس از یک عمر بت شکنی و مبارزه با ظلم و جنایت با پیشانی شکافته، یعنی با عالیترین نشان افتخار مجاهدین راه خدا، چشم از این جهان فروبست، ولی مکتبی جاوید برای پیروان خود بجای گذاشت، مکتب آزادگی و پیکار با ستمگران. در این مکتب سکوت در برابر ظالم، گناه و دشمنی با حق شمرده می شود که فرمود:"السکوت اخ الرضا من لم یکن معنا کان عدوا لنا".... امیر المومنین علیه السلام می فرمود: همه کارهای نیک نسبت به امر به معروف و نهی ازمنکر مانند قطره ای است نسبت به اقیانوس. ولی بالاتر از آن سخن حقی است که در برابر زمامدار ستمگری گفته شود.**

**رهبر پیروان علی (ع) در این زمان، حضرت آیه الله خمینی ره هم به پیروی از تعالیم ان حضرت فرمود: سکوت در برابر دستگاه جبار گناه کبیره است. و به پیروی از حسین بن علی (ع) که فرمود: من مرگ را برای خود جز سعادت نمی بینم و زندگی با این ستمگران را جز تباهی نمی دانم، در برابر حکومت قانون شکن وازادی کش فریاد زد من سینه خود را برای سرنیزه های شما اماده کرده ام، ولی به اعمال ضد دینی و ضد انسانی شما تن در نمی دهم. آری!! امروز هم طرفداران مکتب علی (ع) با طرفداران مکتب معاویه روبرو هستند، ولی بطور مسلم صرف ادعای طرفداری از علی (ع) دردی را دوا نمی کند. کسانی که در حدود قدرتشان دفاع نمی کنند یا با سکوت ننگین خود به تسلط حکومتهای خودکامه و ستم پیشه کمک می نمایند به استناد کلام علی (ع) در شمار یاران معاویه اند و کسانی که با مجاهدت و فداکاریهای پی گیر خود، پایه کاخهای ظلم و بیدادگری را به لرزه در می آورند و از حریم اسلام و مسلمین دفاع می کنند، بدون شک از یاران علی می باشند."**

**این سخنان بسیار روشنگرانه و کوبنده استاد گواه آن است که ایشان نهضت امام را نهضت امیر المومنین و حضرت اباعبد الله الحسین علیهما السلام می دانند و جهات مخالف آنها که به هر شکلی در مقابل امام و تعلیمات ایشان قد علم می کنند همان معاویه ها و معاویه صفتان تلقی می کنند و معتقد اند که شرایط امروز ما هم همان شرایط علی (ع) و معاویه است.**

**بلافاصله در شماره دوم نشریه عنوان "ایدئولوژی اسلامی: ایمان به هدف،" پی گیری می شود. استاد در این عنوان با یک استدلال کاملا عقلی و قرانی به تفوق و برتری نیروی ایمان بر همه عوامل دیگر مخصوصا نیروی انسانی اشاره می کنند و به مبارزین گوش زد می کنند که در راه مبارزه با ظلم و بی عدالتی کمی عده و عده مطرح نیست. نیروی ایمان به نحو شگفت انگیزی حتی بر کثرت بسیار زیاد دشمن نیز چیره می شود. استدلال استاد به این شرح است: "ان یکن منکم عشرون صابرون یغلبوا ماتین،" " الان خفف الله عنکم وعلم ان فیکم ضعفا فان یکن منکم ماه صابره یغلبوا ماتین،" در کریمه اول، برابر با وعده حق پروردگار عالم ۲۰ نفر صابر از مومنان بر ۲۰۰ نفر از کافران پیروز می شوند و در کریمه دوم بیان می فرماید که به دلیل بروز ضعف در ایمان اکنون تنها ۱۰۰ نفر از مومنان صابر بر ۲۰۰ نفر از کفار پیروز می شوند. مقایسه این دو ایه کریمه با یکدیگر گواه ان است که پس هر چه پایه ایمانی قویتر باشد غلبه بر دشمن بیشتر خواهد بود و بالعکس هر چه ضعف ایمان بیشتر و وادادگی به کفار بیشتر باشد غلبه بر دشمن نیز کمتر خواهد بود.**

**در شماره سوم عنوان "ایدئولوژی اسلامی: تطور مبارزات،" پی گیری می شود. استاد تحت این عنوان تاریخ پیدایش مبارزات و تحولات ان را به سه دوره اولیه، دروه شکفتگی و دوره رشد تقسیم و بصورت ریز مورد مطالعه قرار می دهند. ایشان مبارزه را تنها به شکل دوره سوم یعنی دوره ای که تشکیلات منظم بعلاوه روشهای عملی و راه و رسم صحیحی بر اساس مبانی عقیدتی درستی برای مبارزه ترسیم یافته است و رهبران قوانین و رموز مبارزه را تا آخر رعایت می کنند، صحیح می دانند. در شماره چهار به "ایدئولوژی اسلامی و مبارزه اصولی،" می پردازند.**

**در شماره پنج به "ایدئولوژی اسلامی: ضرورت تشکل،" اشاره می کنند. در این شماره به زعم حضرتشان قوام جامعه بر دو پایه حق و تکلیف است و حفط حقوق و انجام وظایف را متوقف بر یک سیستم حکومتی صالح دانسته اشاره می کنند که اصل اساسی در هر نظامی، بویژه نظام حکومتی صالح، همفکری، همکاری، هماهنگی، همبستگی، پیوستگی، و بالاخره یگانگی افراد است تا جامعه مانند اعضای پیکر واحد منافع خود را از راه منافع اجتماع تامین کنند. ایشان تاکید می کنند که این اصل تنها در اسلام به بهترین وجه تامین شده است. در شماره شش به "ایئولوژی و ضرورت تشکل،" و در شماره هفت به "ایدئولوژی اسلامی و کیفیت انتخاب رهبر" می پردازند.**

**در نهایت حرف آخر را ایشان در شماره هشت تحت عنوان "ایدئولوژی اسلامی و حکومت شرعی" بیان می دارند. در این شماره استاد به پاسخ یک شبهه ریشه دار پرداخته و موضوعیت مرجعیت در فتوی را با موضوع زعامت و حکومت اسلامی دو عنوان متغایر می دانند که در "اولی اعلمیت در فقه و علوم مربوطه به ان شرط شده و در دومی اصل فقاهت و آگاه تر بودن به مسائل اجتماعی و سیاسی و ارجحیت از نظر اداره امور حکومتی و حفظ و صیانت حدود و ثغور دینی از تجاوز دشمنان داخلی و خارجی و صلاحیت اخلاقی(عدالت) از شرایط اولیه هردو مقام می باشد و دلیل لزوم ارجحیت در حکومت همان دلیل لزوم اعلمیت در مرجع است و طریق تشخیص ان مانند تشخیص اعلم، شهادت اهل خبره و رجوع به بینه بلامعارض در مورد تعارض شهود است و بازگشت ان به انتخابات چند درجه ای است که در شماره گذشته راجع به انتخاب رهبر ذکر شد، بدیهی است که ملازمه ای بین این دو منصب وجود ندارد، ولی ممکن است شخص واحدی واجد شرایط هر دو منصب باشد و برای هر دو مقام تعیین گردد." "شرط بودن فقاهت در متصدی حکومت اسلامی لازمه اش این نیست که هر کسی فقیه شد دارای منصب حکومت باشد." "حاکمی که صلاحیت حکومت اسلامی را داشته باشد، هر گونه حکمی صادر نماید واجب الاطاعه خواهد بود، مادامی که فساد مدرک حکمش ثابت نشده باشد ولی اگر اظهار نظرهائی به عنوان فتوا در احکام شرعی یا رای در موضوعات خارجی بنماید، پیروی از ارائ و نظریاتش واجب نیست، مگر حاکمی که مرجعیت فتوی هم داشته باشد که در این صورت فتاوایش در احکام برای مقلدانش معتبر می باشد." "کسی که مرجع فتوا بود، نظریاتش در بیان احکام ضروری اسلام متبع است، ولی رای او در تشخیص موضوعات هیچگونه اعتباری ندارد."**

**در زیر به برخی دیگر از عناوین اشاره می شود:**

**۱. "اصلاحات کابینه سازندگی" استاد در این عنوان به اصلاحات سازندگی کابینه حزبی حسنعلی خان منصور اشاره می فرمایند حسن علی منصور در تابستان ۴۲ در حالی که کابینه خسته سنا را تا نیمه شب در مجلس نگاه داشته است برای مصونیت سیاسی، قضایی، جزایی و اجرایی دادن به ۲۰۰۰ گروهبان و افسر امریکائی با خانواده ها و مستخدمین ایشان رای گیری می کند تا به این وسیله این اوباش بیحیای امریکائی را بر جان و مال و ناموس و هستی مردم شریف ایران مسلط کند و انها با انجام هر جرم و جنایتی، کسی در ایران نتواند متعرض انها شود و انها بتوانند با هستی میلیونها نفر مردم شریف ایران بازی کنند. ملاحظه می فرمایید به زبان جاری ساختن این سخنان در ان شرایط خفقان و روشن بخشی به مردم و بیدار نمون انها از کارهای فریبکارانه دستگاه چقدر با اهمیت است.**

**۲. "فرهنگ اصطلاحات انقلاب سفید" یکی دیگر از این عناوین و مباحث بسیار مهم و کلیدی است. در این مبحث استاد شجاعانه به سرایت مفهوم " انقلاب سفید" شاه به الفاظ و معانی اشاره می کنند و می فرمایند گویا این انقلاب سفید به دامن الفاظ و ترکیبات همه کشانده شده است. سپس به تشریح کارهای نادرست انقلاب سفید که در قالب الفاظ وترکیبات جدید انجام می شود می پردازند: به چند نمونه از اصطلاحات جدید که حضرتشان در انجا با شجاعت تمام بیان فرموده اند توجه فرمائید:**

**الف. "اقدام علیه استقلال و تمامیت ارضی کشور" و در تبیین آن می فرمایند این یعنی "پیشوای دینی و رهبر ملی ایران به لایحه ننگین و ذلت باری که ملت را برده یک مشت نظامی بیگانه می سازد اعتراض و از استقلال قوه قضائیه و حق حاکمیت ملی دفاع نماید."**

**ب. "دموکراسی" یعنی "مردمی که به عنوان اعتراض به تبعید غیر قانونی مرجع تفلیدشان تعطیل کرده اند، جلو دکانشان تیغه بکشند و شبانه سقف دکانشان را سوراخ کرده صدها هزار ریال وجه نقد از ایشان به سرقت ببرند."**

**ج. "تعیین سرنوشت مردم به دست خودشان" یعنی " شبانه دزدیدن رهبر خردمند و عظیم الشان شیعیان و زندانی کردن سایر رهبران ملی و مذهبی و تبعید و اعدام کردن جوانان غیور و وطن پرست و مصونیت دادن به مستشاران بیگانه و مسلط ساختن انان بر همه شئون کشوری و لشگری و تصویب لوایح غیر قانونی و مخالف با مصالح ملی در جلسات مخفی و دور از اطلاع مردم." د. و بالاخره "طرفداری از روح اسلام" یعنی " جسارت به پیشوای مسلمانان و لغو کردن قید اسلام از انتخاب کننده و انتخاب شونده و الغاء قید مذهب در اگهی های استخدام ارتش و انتخاب چند نفر بهائی برای وزارت و خراب کردن دانشگاه جعفری و وضع قوانین ضد دینی." چنانچه ملاحظه می فرمائید سخنان استاد چقدر روشنگر وکوبنده است. به حق سخنانی که در این فرازها بر زبان جاری شده، هر یک در آن شرایط خفقان مساوی با حکم اعدام صاحب سخن بوده است.آیه الله مسعودی خمینی چنین نقل می کنند که حضرت استاد در جائی شاه را به موسی چمبه، منفورترین قیافه سال زمانه خودش که حقا او را "سمبل خیانت" لقب می دهند، تشبیه می کنند. ایشان اضافه فرموده بودند که گوینده چنین سخنی در ان زمان دل شیر داشته است و حتما با انتقال آن سخن به دستگاه حاکمه و شناسائی وی او را می کشتند.**

پایگاه اطلاع رسانی علامه مصباح یزدی

* *http://www.mesbahyazdi.ir*
* *@mesbahyazdi\_ir*